



بررسی اهم مقاتل واقعه کربلا: قسمت هفتم

از فرهاد میرزای قاجار تا شیخ عباس قمی

مقاتل سفارش شده آقایان قاضی و فاطمی نیا



سعید طاووسی مسرور

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

در آخرین قسمت از سلسله مطالبی که با عنوان آشنایی با اهم مقاتل تقدیم مخاطبان ارجمند حسینیه «فرهیختگان» می شود، دو کتاب از دوره قاجار و دو کتاب از محدث قمی، صاحب مقاتلیح الجنان را معرفی خواهم کرد.

کتاب اول «فیض الدموع» نوشته محمدابراهیم نواب تهرانی رازی و ملقب به بدایع نگار، متوفی ۱۲۹۹ هجری قمری است.. لقب بدایع نگار لقب واقعا برزننده‌ای برای اوست، چرا که قلم بسیار زیبایی دارد.. نام کامل کتاب فیض الدُموع و عبْرهُ المُسْتَهَام به‌معنای «ریزش اشک‌ها و اشک غمناک» است که این کتاب علی‌رغم نام گذاری عربی- در بحث‌های پیشین هم چند نمونه از این دست ذکر کردیم- به زبان فارسی نوشته شده است.. زمان دقیق نگارش این کتاب مشخص نیست اما نسخهای از آن در سال ۱۲۸۳ توسط محمدرضا کلهر کتایب شده که نشان می‌دهد نگارش کتاب در همان سال یا قبل از آن بوده است.

برخی به اشتباه «فیض الدموع» را ترجمه لهوف معرفی کرده‌اند، درصورتی که لهوف یکی از منابع مورد استفاده بدایع نگار بوده که البته بهره زیادی از کتاب لهوف برده است.. علاوهبر لهوف برخی منابع مانند مقتل ابومخنف، مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، بحارالانوار و مناقب ابن‌شهرآشوب هم از منابع اصلی مورد استفاده مولف بوده است.. لذا این کتاب-از حیث منابع و رویکرد کلی- شباهتی به کتاب‌هایی مانند «اسرارالشهاد» ندارد.. اتفاقا این کتاب رویکردی مخالف با آثاری مثل «اسرارالشهاد»، «معالی السبیطین» یا «الدمعة الساکیه» دارد.. مولف از ذکر اقوال مختلف و پیرایه‌های داستانی پرهیز می کند، بلکه سعی می کند در موارد اختلافی به‌جای اینکه همه اقوال را بیاورد، صحیح‌ترین روایت را عرضه کند و شاخ‌وبرگ‌ها را نیز ذکر نکند.

این کتاب از حیث اعتبار و ارزش محتوا، به‌خصوص از جنبه تاریخی، بر بسیاری از مقاتله هم‌دوره خودش بلکه شاید بر همه آنها برتری دارد.. علاوهبر ارزش تاریخی که کتاب «فیض الدموع» دارد باید گفت که نثر روان، فاخر و زبان فصیح مولف به ارزش کتاب افزوده است.. این کتاب آنقدر شیوا و گویاست که می‌توان آن را در مجالس هم خواند، شاید در موضوعی فقط نیاز به توضیح اجمالی باشد. این کتاب را انتشارات میراث مکتوب به‌چاپ رسانده و بعد هم نسخه دیجیتال آن را به رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است که همه می‌توانند استفاده کنند. کتاب بعدی «مَقَامُ زَخَّارٍ وَصَصَّامُ بَنَّا» به‌معنای «دریای آکنده و شمشیر برنده» نوشته فرهادمیرزای قاجار است.. ایشان متوفی ۱۳۰۵ هجری قمری و ملقب به معتمدالدوله بوده و نونفقه‌حلی شاهوپان‌زدهمین فرزندعباس میرزاست.. فرهادمیرزا شخصی عالم و علم‌دوست و فرهنگ‌دوست بوده است.. مثلاً ایشان مطالعاتی روی ادعیه انجام داده و برخی اشکالات کتابان و ناسخان متون عربی برخی ادعیه در طول تاریخ را تذکر داده است.. نسخه‌ای از مقاتلیح الجنان شیخ‌عباس قمی در اختیار بنده است که از پدربزرگم به یادگار مانده و در زمان حیات مولف به‌چاپ رسیده و تا انتهای این نسخه حواشی فرهادمیرزای قاجار بر برخی ادعیه- که از جهت لغوی و ادبی برخی اشکالات را تذکر داده- درج شده است.. البته نه‌اینکه حواشی‌ای بر کتاب مقاتلیح باشد بلکه حواشی موجود بوده در انتهای مقاتلیح درج شده است.. نمونه‌ای از فرهنگ‌دوستی فرهادمیرزا را عرض کنم و آن اینکه ایشان وقتی حاکم فارس در دوره ناصری بوده، از تخت جمشید محافظت می کرده و در آنجا نگهدیان مستقر کرده و مراقب بوده که آسیبی به این آثار باستانی وارد نشود.. گزارش این اقدامات حفاظتی را می‌توانید در سفرنامه نجم‌الدوله ملاحظه کنید. کتاب قیقام زخار به‌زبان فارسی درمورد زندگی، قیام و شهادت امام حسین(ع) نوشته شده و تألیف آن در سال ۱۳۰۳ هجری قمری آغاز شده و در ذی‌الحجه ۱۳۰۴ قمری به‌پایان رسیده است یعنی کتاب در انتهای عمر مولف نوشته شده، چون- همان‌طور که عرض کردم- مولف در ۱۳۰۵ هجری قمری از دنیا رفته است. مولف بعد از ذکر مسائلی مثل فضائل اهل‌بیت(ع) و تلاش‌های بنی امیه جهت جلوگیری از نشر فضائل، به حوادث منجر به شهادت امام حسین(ع) می‌پردازد و بعد از آن، وارد زندگانی امام حسین(ع) می‌شود و زندگی و سپس حرکت امام از آغاز تا روز عاشورا را شرح می‌دهد.. بعد از آن به اسارت اهل‌بیت(ع) و قیام‌های توابین و مختاری می‌پردازد و نهایتا فضائل زیارت امام حسین(ع) و مرثیه‌هایی به زبان عربی و فارسی را نیز ذکر می‌کند.

در مقایسه با مقاتل آن دوره- که برخی از آنها در شماره گذشته بحث شد و بعضا انتقاداتی را نیز به آنها ذکر کردیم- می‌توانیم کتاب قیقام را با فیض الدموع از حیث محققانه بودن و مستند بودن، مقایسه کنیم.. این کتاب مفصل‌تر از کتاب «فیض الدموع» است و مولف از منابع متعدد بهره برده و کتاب ارزنده‌ای عرضه کرده است.

از سیدعلی آقاقاضی، استاد علامه طباطبائی و آیت‌الله بهجت سوال شده که از بین مقاتل کدام مقتل را برای خواندن توصیه می‌کند که ایشان از کتاب قیقام زخار یاد کردند.. جت الاسلام ابوالفضل هادی منش اخیرا این کتاب را بازنویسی کرده‌اند و طبع جدیدی از آن عرضه شده، من کتاب را به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که مخاطب امروزی بتواند بهتر از این کتاب بهره‌مند شود.

درمورد اینکه چرا این کتاب، علی‌رغم ارزشی که دارد، کمتر مشهور است، احتمالاتی را مطرح کرده‌اند.. مثلا گفته‌اند عنوان کتاب عنوان غربیی است

و با آثاری که در آن دوره اشک و حزن و مصیبت دارد عنوان درج کرده‌اند، متفاوت است و این شاید باعث شده مردم کمتر سراغ این کتاب بروند.. نکته‌دیگر درمورد درباری بودن مولف است، چه او بالاخره شاهزاده بوده و شاید این نکته هم دلیلی بر عدم اقبال به این کتاب باشد.. شاید هم نوع ادبیات کتاب یا این دلیل که چاپ‌های مناسبی از این کتاب در روزگار ما در دسترس نبوده، یا [اینکه] تحقیق و تصحیح مناسبی نداشته، [همه موثر باشد].. مجموع این عوامل سبب شده که به این کتاب کم لطفی شود و حالا با تلاش آقای هادی منش و این چاپ جدید، امید است که این مهجوریت از این کتاب زدوده شود.

بعضی مقاتلی را که در عصر قاجار نوشته شد و بعضا مورد انتقادهای بسیار قرار گرفت، در شماره‌های قبل ذکر کردیم.. از آن میان خصوصا کتاب «اسرارالشهاد» است که به منابع بی اعتبار و بیست استناد کرده، منابعی مانند کتاب «بحرالانساب» یا کتابی از روضه‌خوانی به‌نام سیدجعفر، یا کتاب مجعولی که منسوب به یکی از علمای جبل عامل بوده است(شیخ عبدالحسین تهرانی این انتساب را رد کرده و کتاب را دروغ و سست می‌شمارد اما آن کتاب به‌دست فاضل دربندی می افتد و

مطالب آن رادر «اسرارالشهاد» وارد می‌کند)..این رویه‌ها باعث شد که محدث‌نوری احساس تکلیف کند و کتاب «لؤلؤ و مرجان» را در نقد برخی روضه‌خوانی‌ها و برخی آثار ازجمله «اسرارالشهاد» بنویسد و سعی کند که مجالس عزاداری را از این گونه امور- که آنها را آفت و بعضا مباهطین مکتب می‌دانسته- پیراسته کند.

محدث‌قمی از شاگردان نامدار محدث‌نوری است و سعی می‌کند مسیری را که استادش باز کرده، ادامه دهد.. استادش از جنبه سلبی وارد شده و برخی آثار و مطالب را رد و نقد کرده است.. شیخ‌عباس از جنبه ایجابی هم وارد شده و سعی کرده با تألیف آثاری، متن منقح‌تری را در اختیار روضه‌خوانان، واعظان و مداحان قرار دهد.. می‌توان از دو کتاب «نفس‌المهموم» و «نفثه‌المصور» او اسم برد هرچند مولف در سایر آثارش هم- مثلا در منتهی‌الامال- همین رویه را درمورد امام حسین(ع) داشته است.

محدث‌قمی ماننداستادش از نقدمجالس عزاداری و بیان تذکر وارشادنسبت به‌این مجالس خودداری نکرده است..او متوفی ۱۳۵۹ هجری قمری، مطابق با ۱۳۱۹ هجری شمسی است پس اواخر عمر شریف ایشان در دوره پهلوی اول بوده است. ایشان از بزرگان نجف مثل صاحب عروه، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و همین‌طور میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) و شیخ‌الشریعه اصفهانی استفاده کرده است اما او بیشتر ملازم محدث‌نوری بوده کم‌اینکه در حرم امیرالمومنین(ع) هم قبر این استاد و شاگرد در کنار یکدیگر است.

محدث‌قمی مدتی به مشهد می‌آید و به‌خواست حاج آقا حسین قمی در آن شهر ساکن می‌شود و طی ۲۲ سال که در مشهد اقامت داشته برخی از مهم‌ترین آثارش را می‌نویسد، ازجمله «مقاتلیح الجنان»، «منتهی‌الامال» که تاریخ‌زدگانی معصومین است، «نفس‌المهموم» و «نفثه‌المصور» که به امام حسین(ع) مربوط می‌شوند و کتاب «الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفری»ه در شرح حال علمای شیعه در مشهد نوشته شده است.. در شرح حال علمای شیعه ضمن شرح حال فاضل دربندی، کتاب «اسرارالشهاد» را مانند استادش مورد انتقاد و اشکال قرار می‌دهد و با تعبیر «آن را اعتماد نشاید» از این کتاب یاد می‌کند.

بعد از تبعید حاج آقا حسین قمی به عتبات، محدث‌قمی هم در سال ۱۳۵۴ هجری قمری- یعنی پنج سال قبل از وفاتش- به نجف می‌رود و دیگر با‌زمنی‌گردد و تا وفاتش در آنجا بوده است.

همان‌طور که عرض شد، پیراستن مجالس عزاداری از آسیب‌ها از مسائل مورد اهتمام ایشان بوده است.. در «منتهی‌الامال» بخشی به‌نام نصح و تحذیر باز کرده، که اهل منبر و روضه‌خوانان را در این بخش از آسیب‌های متعددی برحذر داشته است، ازجمله دروغ گفتن، افترا بستن بر خدا و حجج طاهره و علما، غنا و خواندگی با الحان فسوق، افشای اسرار آل محمد، مغرور کردن مجرمین و متجری کردن فاسقین و کوچک کردن معاصی در نظر افراد که ممکن است به‌سبب بیان ثواب‌های عزاداری چنین اثری در شونده ایجاد شود.

ایشان همچنین تقبیض انبیای عظام و اوصیای کرام به‌جهت بزرگ کردن و بلندکردن مقامات ائمه را نیز تذکر می‌دهد که متأسفانه این آسیب در روزگار ما هم وجود دارد و بنده دیدهام که در مدتی‌ها به حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم(س) حسرت می‌شود تا آنها را برابر حضرت زهرا(س) و امام حسین(ع) کوچک نشان دهند. خواندن اشعار و مراثی دروغ با عنوان «زبان حال» هم مورد اشاره محدث‌قمی بوده است.. همان‌طور که برخی علما ازجمله حضرت آیت‌الله‌سیدموسی شبیری زنجانی فرموده‌اند، زبان حال باید بهره‌ای از واقعیت داشته باشد و به‌نحو نباشد که هرچه دل‌مان خواست به‌عنوان «زبان حال» بگوییم.. تذکر محدث‌قمی هم همین است. ازجمله آسیب‌های دیگری که شیخ‌عباس برشمرده، ذکر آنچه منافای عصمت و طهارت اهل‌بیت(ع) است، طول دادن سخن به‌جهت اغراض کثیره فاسده و محروم کردن حاضرین از اوقات فضیلت نماز، که ایشان به جنبه و تفصیلت نماز اشاره کرده اما استاد فاطمی نیا اسداس طول دادن مجالس مذهبی چیه شب‌های احیا و چه عزاداری را در روزگار ما به‌صلاح نمی‌دانند.. کمیت مراسم ممکن است کیفیت را پایین بیاورد و یا موجب خستگی افراد شود یا آثار سوء دیگری داشته باشد.. محدث‌قمی در انتهای نفثه‌المصور هم نصیحت‌هایی خطاب به روضه‌خوانان ذکر کرده و آورده است. اگر بخواهم به برخی آرای ایشان اشاره کنم، ایشان با اخباری مثل عروسی حضرت قاسم، حضور لیلا مادر حضرت علی اکبر در کربلا، خبر سرشکستن حضرت زینب، موافقت نداشته و به آنها اشکال کرده است.

محدث‌قمی در مواردی اصل خبر را رد می‌کند مثل عروسی حضرت قاسم و حضور

لیلا در کربلا- و درمورد سرشکستن حضرت زینب(س)، تفاسیل و جزئیاتی را که

در منابع متاخر آمده، زیر سوال می‌برد.

قبل از اینکه اشاره کامل‌تری به کتاب «نفس‌المهموم» و «نفثه‌المصور» داشته باشم، باید بگویم برخی فکر می‌کنند که اشکال کردن به برخی کتب مقاتل و زیر سوال بردن برخی اخبار، حاصل روحیه روشنفکری یا غرب‌گرایی یا دنیاگرایی یا مادی گرایی یا امثال اینهاست، درصورتی که می‌بینیم منتقدان این مطالب هم از علمای دین بوده‌اند و برخی از آنها مثل محدث‌نوری یا محدث‌قمی- کم‌اینکه از عنوان محدث‌همه روشن است- علمای دینی بودند که اتفاقا به سنت و به روایت امام‌الهم بسیار اهمیت می‌دادند.. خود محدث‌نوری از موسسان پیاده‌روی اربعین و احیاکننده آن است.. پیاده‌روی البته اختصاص به اربعین ندارد ولی اهمیت پیاده‌روی اربعین و آنچه امروز به‌عنوان پیاده‌روی میلیون اربعین مطرح است، مدیون محدث‌نوری است.. آیا می‌شود دین جامعه شیعه به محدث‌قمی بابت

فرهنگستان

کتاب مقاتلیح الجنان را انکار کرد؟ لذا این علما هم درد دین داشتند اما متأسفانه قضاوت‌های ناصحیحی درمورد برخی منتقدان ازجمله استادمطهری انجام می‌شود.. استاد مطهری هم ادامه همین جریان است و او را باید در همین مسیر دید و درباره دیانت و تعهد آن بزرگوار هم نیاز به تفصیل و سخن نیست.

مانند آن قولی که از آقای قاضی درمورد رجوع به قیقام زخار ذکر کردم، درباره کتاب نفس‌المهموم هم این را عرض کنم که فردی از استاد فاطمی نیا- که خدا به ایشان سلامتی دهد و رفیع بلا از آن بزرگوار شود- سوال کرد که «بهترین مقتل برای مراجعه چیست؟» و ایشان کتاب «نفس‌المهموم» شیخ‌عباس قمی را توصیه کردند.. نفس‌المهموم فی مقتل‌الحسین المظلوم، عنوان کامل این کتاب است که به‌زبان عربی نوشته شده و نگارش آن پیش از کتاب «نفثه‌المصور» و همچنین پیش از کتاب «منتهی‌الآمال» بوده و مولف سعی کرده- همان‌طور که خود ایشان در مقدمه توضیح داده است- مقتلی براساس روایات معتبر و با استفاده از منابع قابل اعتماد تنظیم کند و سعی کاملی داشته که از منابع متقدم استفاده شود اما اگر در منابع بعدی هم نکات مثبت و قابل استفاده‌ای دیده، از درج آنها فروگذار نکرده است.. منابع اصلی ایشان الارشاد، لهوف، مقاتل الطالبیین، روضه‌الواعظین، مناقب آل ابی‌طالب است - که اینها همه از منابع قرن هفتم به قبل محسوب می‌شوند- و می‌بینیم که مولف از بحار و همین‌طور کتاب ارزنشدنمقام زخار هم مطالبی را نقل کرده است.

محدث‌قمی به اختصاص درباره ولادت امام حسین(ع) مطالبی آورده، همین‌طور از مناقب و فضائل حضرت، ثواب‌گیری به مصیبت آن حضرت، پاداش لعن بر قاتلان آن حضرت که مربوط به باب اول کتاب است.. در باب دوم که مفصل‌ترین بخش کتاب است به شرح واقعه عاشورا پرداخته، از مرگ معاویه آغاز کرده و با وقایع روز عاشورا و شهادت امام(ع) و بارانش این باب را به پایان رسانده است.. در باب سوم هم به حوادث بعد از شهادت امام(ع) و رفتن کاروان اهل‌بیت(ع) به کوفه و شام و بازگشت آنها به مدینه پرداخته است.. یکی از نظریات جالب محدث‌قمی این است که امکان بازگشت کاروان به کربلا در اربعین اول(بیستم ماه صفر) را عقلا منتفی دانسته است.. شهید قاضی طباطبایی در کتاب تحقیق در اول اربعین سیدالشهدا(ع) خواسته به این نظر پاسخ دهد و گفته این مساله محال هم نبوده و ممکن بوده است.. البته آن امکان، اثبات نمی‌آید و ظاهر این است که چنین اتفاقی در روز بیستم صفر نیفتاده است.. البته این امر، لطمه‌ای به زیارت اربعین یا پیاده‌روی اربعین نمی‌زند چون الله زیارت اربعین یا پیاده‌روی اربعین ربطی به حضور یا عدم حضور اهل‌بیت در کربلا در آن روز ندارد.

مولف مطالب خارق‌العاده بعد از شهادت امام(ع) را هم در باب چهارم ذکر کرده و در پایان این باب، گلچینی از مراثی عاشورایی به‌زبان عربی را ارائه داده است.. در باب پنجم مطالبی درمورد مهسرن و فرزندان امام حسین(ع)، فضیلت زیارت و تخریب قبر حضرت در زمان متوکل آمده و خاتمه کتاب شرح حال توابین و ماجرای خروج مختار و کشتن قاتلان امام(ع) است که منبع اصلی محدث‌قمی در این بخش، کتاب الکامل ابن‌اثیر است.

کتاب «نفس‌المهموم» دو ترجمه شناخته‌شده دارد، یکی ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی به‌عنوان «معاج‌السجود» است.. میرزای شعرانی با آن عظمت علمی و دقت علمی اش این کتاب را ترجمه کرده‌اند و از این طریق بیشتر به عظمت کتاب نفس‌المهموم پی می‌بریم.. ترجمه‌دیگر از میرزا محمدباقر کمره‌ای با‌عنوان «رموز الشهاد» است که چاپ مشهور این ترجمه با‌عنوان «در کربلا چه گذشت» منتشر شده است.. شاید برای مخاطب عمومی زبان و بیان میرزای کمره‌ای از مرحوم شعرانی بهتر و قابل‌فهم‌تر باشد.. کم لطفی است اگر به «کتاب آه» نوشته یاسین حجازی اشاره نشود که کتاب «نفس‌المهموم» را بازنویسی کرده است، چه‌سبا برای بخشی از مخاطبان، در مراجعه به «کتاب آه» جالب‌تر و سودمندتر باشد.. درمورد نام «نفس‌المهموم» در روایت آمده که نفسی که به‌همراه حزن برای ما کشیده شود، ثواب دارد و لذا محدث‌قمی هم از این عنوان روایی در عنوان کتاب استفاده کرده است.

اما کتاب «نَفْثَةُ الْمَصْدُورِ فِيمَا يَجْدُّ بِهِ حُزْنَ الْعَاشُورِ»، به‌معنی «سوز سینه‌پر درد در یادآوری اندوه‌های روز عاشورا» است.. این کتاب هم یک رساله مختصر به‌زبان عربی درباره عاشورا است و حدوده‌هفت سال بعد از «نفس‌المهموم» در مشهد نوشته شده است و می‌توان این کتاب را تکمله «نفس‌المهموم» دانست.

«نفثه‌المصور» ۱۱ فصل دارد و چند فایده و بعد هم خاتمه در انتها ذکر شده است.. خاتمه شامل بر ۲۰ توصیه به اهل منبر و روضه‌خوانان است که مولف آنها را در کتاب بعدی خودش یعنی منتهی‌الامال که هشت سال بعد نوشته شده، تکرار کرده است.

نگارش «نفثه‌المصور» در ۱۱ ذی‌القعدة در سال ۱۳۴۲ هجری قمری «مصادف با ولادت امام‌هشتم به‌پایان رسید» و قصیده‌ای منسوب به حضرت ثامن‌الحجج(ع) هم به‌عنوان حسن ختام رساله ذکر شده است.. این کتاب یک جنگ‌متنوع است و بیشتر به فضائل امام حسین(ع) و یاران ایشان پرداخته و اگر مطالب دیگری در غیر این موضوع- مانند حمایت جناب ابوطالب از پیامبر(ص)، پیشگویی پیامبر(ص) درمورد شهادت عمار و.....- ذکر شده به واقعه عاشورا رها داده شده (ص). آخرین فصل کتاب مربوط به زیارتگاهی نزدیک حلب به نام «مشهد سقط» یا «مشهد الدکه» می‌شود که شیخ‌عباس قمی در سال ۱۳۴۲ هجری قمری به زیارت این مکان رفته است.. این زیارتگاه منسوب به محسن بن حسین بن علی است و گفته شده که یکی از همسران امام حسین(ع) که آبستن بوده، هنگام عبور کاروان اسرا، بر اثر لطماتی که به کاروان رسیده، دچار سقط شده است..

این زیارتگاه، یادبود چنین واقعه تلخی است که شیخ‌عباس یی فصل مستقل درباره این زیارتگاه اختصاص داده و از آن بحث کرده است.

نفثه‌المصور بارها چاپ شده و چند بار به فارسی ترجمه شده است؛ ازجمله ترجمه محمدباقر کمره‌ای از این کتاب همراه با همان نفس‌المهموم، عرضه شده است.. یعنی ایشان در کتاب رموز الشهاده، هم نفس‌المهموم و هم نفثه‌المصور را ترجمه کرده که هر دو در آن چاپ با عنوان «در کربلا چه گذشت» هم عرضه شده است.

ترجمه دیگر از این کتاب برای مرحوم عبدالرحیم عقیقی بخشایشی است که در کتابی با عنوان «سه مقتل گویا در حماسه عاشورا» درج شده که یکی از آن سه مقتل، نفثه‌المصور است. امیدوارم مجموعه مطالبی که در این چند شماره عرض شد، به آشنایی مخاطبان حسینی «فرهختگان»، با مقاتل عاشورایی کمک کرده باشد.. البته ما به اهم مقاتل پرداختیم و از بسیاری از کتاب‌ها سخن به میان نیامد.

۱۳

ادامه از صفحه ۱۱

عاشورا شناسی امام موسی صدر در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با شریف لک‌زایی

مقاومت لبنان، امتداد فکر امام موسی

بنابراین از این منظر من فکر می‌کنم که اصلا نمی‌توانیم براساس آثار و آرای امام موسی صدر یک امام موسی صدر سکولار ارائه کنیم چون که اولاً یک نگاه اجتماعی به دین دارد و دین را از جهاد و مبارزه و سیاست جدا نمی‌داند، قائل به جنگ دائمی حق و باطل است و تأکید دارد که ما باید همواره در کنار مظلومان باشیم. در همین متن می‌گوید که ما نمی‌توانیم مراسم عزاداری امام حسین(ع) را از تلاش برای حمایت مجاهدان در مرزها جدا کنیم. اینها نکات صریحی است که ایشان دارند. لذا اسلام در نظر ایشان یک مذهب یکپارچه است که زمانی که یکپارچه باشد شمانمی‌توانید برخی قسمت‌هایش را جدا کنید و بگویید که امام موسی صدر فقط قائل به صلح بوده است. بله. [ایشان] تلاش می‌کرده که صلح نه فقط در جامعه لبنان بلکه در همه منطقه و همه جهان به‌وجود آمده و تدوام پیدا کند ولی قائل به این است که اسلام هم قائل به صلح و [هم] جهاد و مبارزه و مقاومت است. اصلا نقطه‌های زایش جریان مقاومت در لبنان، خود امام موسی صدر است و نه کس دیگری. اولین رهبر حزب‌الله، سیدعباس موسوی شاگرد ایشان است و بعد آقایان نصرالله و دیگران. بنابراین همه این مجموعه را اگر نگاه کنیم، مثلا هیچ‌یک از آثار دیگر امام موسی را نیز نگاه نکنیم، به‌نظم همین مباحث ایشان در مجموعه «سفر شهادت» نشان داده است که نمی‌توانیم و حتی کج‌سلیقگی است که امام موسی صدر را سکولار نشان بدهیم. در همان سخنرانی که اشاره کردم راجع به تمدن و آسیب تمدن مادی، در وسط بحثش راجع به امام حسین بشیروی اصلاح‌گری(که در همان ۱۹۷۵ ارائه شده) یک جمله خیلی مهمی دارند که پاراگراف ۱۷۶ (صفحه ۱۰۱ از چاپی که من دارم) در همین کتاب سفر شهادت هست که می‌فرمایند: «برادران! اعلام این نبرد رهرو ز نمایان ترونزدیک‌تر می‌شود. روزنامه‌های دنیا پر است از اتهاماتی برضد اعراب. می‌گویند که اعراب دشمن تمدن هستند می‌خواهند تمدن را نابود کنند. آنهایی خواهند فروپاشی تمدن خود را این گونه توجیه کنند. یعنی اروپایی‌های خواهند با انتقاد از اعراب که نفت را در آن زمان گران کردند [این گونه نشان دهند] که اینها می‌خواهند تمدن غرب را از بین ببرند. تمدن مادی آنان که برپایه‌های صرفا خودخوانده و مصلحت‌جویانه استوار است، راگزیر در دنیا جنگ به‌پا می‌کند.» اصلا محصول این تمدن با آن نگاه‌های خودخوانده و مصلحت‌جویانه، تولید جنگ است. «جنگ و خودپرستی تمایل به سود و منفعت را تشدید می‌کند. برخورد بین منافع و جنگ در همه زمینه‌ها امری دائمی است و این مساله به فروپاشی تمدن آنها می‌انجامد، ولی آنان می‌خواهند سقوط تمدن خود را توجیه کنند و چنین نشان دهند که این اعراب هستند که با افزایش قیمت نفت تمدن شان را به‌خطر انداخته‌اند، یا اینکه می‌انند اعراب قیمت نفت را بالا نبرده‌اند، بلکه صادرات نفت به دشمنان خود و دوستان اسرائیل را متوقف کرده‌اند.»
خب در وسط بحث ایشان درمورد تمدن صحبت می‌کنند؛ یعنی این تمدن، تمدن رو به زوالی است. این بحث را ایشان در ۱۹۷۵ مطرح کرده‌اند؛ یعنی زمانی که شرق و غرب در تحت سلطه تمدن غرب بوده‌اند. امروزه بعد از ۴۰ سال می‌بینیم که فضای کاملاً متفاوتی بر- از آمریکا گرفته تا اروپا- حاکم شده است. به‌رحال وقتی ما به این سمت و سو برویم، عدم آن نگاه مجموعه‌ای و یکپارچه به این اندیشه ممکن است ما را به این سمت و سو ببرد. من انکار نمی‌کنم که ممکن است عده‌ای چنین نگاهی داشته باشند. اما این نگاه با آنچه که من از امام موسی صدر آموختم ام آرا و آثار ایشان را از نزدیک دیدهام، مطمئن هستم که چنین نگاهی از درون آرا و آثار ایشان به‌خصوص از نگاهی که ایشان به تمدن غرب دارد، به‌وجود نمی‌آید و این تمدن را یک تمدن غیردینی، مادی و تمدن غیراخلاقی می‌داند. ریشه‌ها و دلایل آن نیاز به بازخوانی دارد و من در مطالعاتم این مباحث را دارم که ان شاء‌الله در یک مجموعه خواهد آمد.

اگر در ۱۳۹۹ بخوایم از منظر امام موسی صدر یک نقد تندی نسبت به شرایط فعلی داشته باشیم که بتواند راهگشا باشد و امر اجتماعی ایجاد کند، بهترین نقد از زبان امام موسی برای جامعه و نخبگان ما چیست؟ در نسبت با واقعه عاشورا و دهه‌ای که در آنیم. اگر امروز امام موسی می‌بود، به‌نظرتان مهم‌ترین تر دغدغه و نقد ایشان به جامعه و نخبگان چه بود؟

دو سه نکته را عرض می‌کنم. ایشان می‌پرسد که هدف‌مان از این مراسم‌ها چیست. می‌گوید می‌خواهیم عاشورا را در جایگاه درست تاریخی خودش قرار بدهیم. آن نگاه درست تاریخی چیست؟ همین نکته‌ای است که گفتیم، درواقع امام موسی از دوگان‌ه حق و باطل برای تحلیل واقعه عاشورا استفاده می‌کند و اینکه تقابل همیشگی و تضاد همیشگی بین حق و باطل وجود دارد. می‌فرمایند ما بر آن هستیم که خودمان را در جایگاه وجهه حق قرار دهیم. ما در جایگاه حق بایستیم و از حق دفاع کنیم. از حق پیروی کنیم و حق گرا باشیم و باطل را طرد کنیم. بنابراین سکوت در برابر حق، باپامال شدن حق است و تعبیری ایشان دارد که ستم را که تعریف می‌کنند می‌گویند ستم یعنی سکوت در برابر حق و باپامال شدن حق.

ایشان توضیحی نیز برای شناخت حق و راه آن شناخت دارد؟

این را در آثار دیگر ایشان باید ببینیم، به‌خصوص در مجموعه درس‌هایی که برای کادر جنبش امل داشته است و بخشی از این مباحث هم در جلد اول «در قلمرو امام موسی صدر» آمده است. در جلد دوازدهم «گامه‌ها گام با امام» نیز می‌توانید این بحث‌ها را ببینید. وقتی شما سفر شهادت را از ابتدا تا انتها می‌خوانید، این مفهوم و این دوازده حق و باطل دائم دارد تکرار می‌شود. دائم دارد در بحث‌های مختلف ایشان این را به‌زبان می‌آورد و از این منظر تحلیل می‌کند. در بحث‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی- که من بخش‌های اندکی از آن را در کتاب «اندیشه سیاسی امام موسی صدر» آورده‌ام- از آن تعبیرش می‌شود گفت که حق چیست و باطل چیست. به‌یک‌نوع هم، استنباطی می‌کنیم و هم بعضا به‌صراحتی که ایشان دارد می‌رسیم. ایشان دشمنان امام حسین(ع) را سه دسته فرمودند که یک دسته کسانی که حسین(ع) و یاران ایشان را کشته و به شهادت رساندند که اینها دارای آثار معدود هستند، چراکه آن واقعه تمام شده و تبدیل به یک واقعه تاریخی شده است. یک دسته دیگر تلاش می‌کنند تا آثار حسین(ع) را پاک کنند. اینها- به‌تعبیر خود ایشان- در دوره‌هایی از تاریخ حرم ایشان را خراب کرده‌اند، شخم زده‌اند و آنجا کشاورزی کرده‌اند. کارهای دیگری نیز هست که در راستای از بین بردن آثار حسین(ع) انجام می‌دهند. اما دسته دیگری نیز هستند که چه‌ر امام حسین(ع) را مخدوش می‌کنند و واقعه کربلا را تحریف می‌کنند و با تعبیری که ایشان دارند- کربلا را در حدمهین گریه و اندوه مرور می‌کنند. می‌فرمایند این مسیری که به‌خصوص این گروه سوم طی می‌کنند مسیری است که شاید ملل اسلامی و جوامع جوامع اسلام و همین دسته دچار عقب‌ماندگی کرده‌اند، چرا که نگاه امام موسی به عاشورا و واقعه عاشورا، یک جنبشی است که حرکت بخش است و حرکت ایجاد می‌کند. همان بحث امر اجتماعی که راجع به آن صحبت کردیم و تلاش برای ارتقای زندگی ماست و اینکه وجدان و عواطف امت بیدار شود و یک عقلایتی به‌وجود بیاید که بر اساس آن بتواند حرکت کند. این درواقع نگاهی است که ایشان دارد، بنابراین این ممکن است حتی این گروه سوم، [این مواجهه سوم] حتی ناخواسته اتفاق بیفتد؛ یعنی مجالس باشکوه و عظیمی راجع به بزگرداشت عاشورا و مقام امام حسین(ع) برگزار شود، ولی پیام اجتماعی خاصی نیز نداشته باشد. یعنی صرفا آه و اندوه و ناله در آن مجلس و وقتی از آن مجلس خارج می‌شوند، تمام شده است. آن چیزی که اینجا باید اتفاق بیفتد، باید بتواند تبدیل به تعیین سرنوشت و تغییر جامعه و تغییری که فرد می‌تواند بر جامعه ایجاد کند، شود.